

۱۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مترجم: نجفی، محمد جواد، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) / ترجمه نجفی، ۱۳۷۷، ناشر اسلامیة، تهران، چاپ اول
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام (ترجمه جلد ۴۳ بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ۱۳۷۹، تهران، انتشارات مهام، چاپ اول
۲۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مترجم علی دوانی، مهدی موعود (ترجمه جلد ۵۱ بحار الأنوار)، ناشر اسلامیة، تهران، ۱۳۷۸

## واکاوی نقش مرد در خانواده با تکیه بر آیه ۳۴ سوره نساء<sup>۱</sup>

اعظم مزینانی<sup>۲</sup>

### چکیده

آیه ۳۴ سوره نساء از جمله آیاتی است که به زعم برخی افراد با مبانی حقوق بشر و مساوات و برابری انسان‌ها ناسازگار است. هدف نگارنده در این پژوهش تبیین نقش مرد در خانواده با تکیه بر آیه قوامون (نساء/۳۴) است و اینکه با توجه به آیه مورد نظر چه تحلیل‌های مختلفی درباره قومیت مرد ارائه شده و کدام برداشت قابل دفاع است؟ این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده پس از گردآوری دلائل و مستندات قرآنی درباره واژه «قوامون» مناسب‌ترین وجه در معنای آیه را «وظیفه مدیریت و سرپرستی مرد در درون خانواده» دانسته است.

**واژگان کلیدی:** مرد، زن، خانواده، کرامت انسانی، قوامون، سرپرستی.

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۸/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۲.

۲- دانش‌پژوه کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن جامعه المصطفی العالمیه. ۱۳۹۴@mazinani@yahoo.com

## مقدمه

درباره برخی آیات و عبارات قرآنی، تفسیر و معنای یکسانی صورت نگرفته است و در تفسیر و معنای بسیاری از آیات اختلاف نظر مشاهده می‌شود. آیه ۳۴ سوره نساء نیز از جمله این آیات به شمار می‌رود و قوامون به عنوان فرازی از این آیه دستخوش آراء و برداشت‌های متفاوت میان مفسران و قرآن‌پژوهان شده است.

چنانکه خواهد آمد گروهی از مفسران از دیرباز «الرجال قوامون علی النساء» در این آیه شریفه را به معنای عمومیت داشتن قیم بودن مردان بر زنان دانسته‌اند اما در دوره‌های مختلف در گذر زمان و طرح ایرادات و ابهامات نسبت به این حکم، برخی از پژوهشگران قرآنی و صاحب‌نظران به ارائه نظریات و تفسیرات جدید روی آورده‌اند و در عصر حاضر با توجه به رواج جریان‌های دفاع از حقوق زنان علاوه بر کتب متعدد در این حوزه، مقالاتی به بررسی مبحث قوامیت مرد پرداخته‌اند که فاقد رویکردی جامع نسبت به این مسئله بوده و غالب این مقالات به بررسی گفتار لغویان پرداخته‌اند.

نوشتار حاضر به بررسی و ارزیابی این نظریات در خصوص آیه ۳۴ سوره نساء پرداخته و با توجه به استنادات قرآنی ناظر به محتوای آیه و ارائه نظریاتی چند از دانشمندان غربی، دیدگاهی را برگزیده که به دور از ابهام و ایراد باشد.

### مفهوم قوام

«قوام الشی» به ستونی گویند که شیء با آن پا برجاست. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ج ۲۳۳/۵) قوام کسی است که قیام کننده و عهده‌دار مصالح، تدبیر و تأدیب است. (الفراء البغوی، ۱۴۰۷ق)

ابن منظور در تبیین ترکیب «قام علی» می‌نویسد: «قام الرجل علی المرأه» یعنی موونه او را پذیرفت، «انه لقوام علیها» یعنی موونه زن را پردازد و قوامیت را قیام به امر زن و محافظت از وی معنا کرده است. (۴۹۷/۱۴۱۴:۱۲)

قیام گاهی به معنای محافظت و اصلاح می‌آید و قیم المراه یعنی زوج المراه زیرا مرد به امور زن و نیازمندی‌های وی قائم است و قام علی المراه یعنی روزی او را برعهده گرفت و بدین معناست که مردان متکفل امور زنانند و توجه به شئون آنان دارند. (همان، ج ۱۱، ص ۳۵۵)

گاهی قیام به معنی محافظت و اصلاح است و از همین معناست قول خداوند که فرمود «الرجال قوامون على النساء» (حسینی، بی تا: ج ۱۷/۵۹۶) مؤلف مجمع البحرین بیان کرده است که «لهم عليهم قیام الولاء والسیاسة» مردان بر زنان قیام ولایت و سیاست دارند. (طریحی، ۱۴۱۴ق: ج ۲/۵۶) و نویسنده قاموس قرآن بیان می‌کند که مراد از قوام در آیه قیّم و قائم به امر و سرپرست است. (قرشی، ۱۳۵۲: ج ۱/۶۵).

### دیدگاه‌های مفسران پیرامون واژه قوامون و نقش مرد در خانواده دیدگاه اول) حکومت و سلطه

تفسیر بیشتر مفسران در گذشته اشاره بر آن دارد که واژه قوامون بر حکومت و سلطه مرد نسبت به زن در خانواده حکایت دارد. از جمله طبری (متوفای ۳۱۰ق) ذیل آیه «الرجال قوامون على النساء» در تفسیر خود اینگونه بیان می‌کند که مردان اهل قیام بر زنانشان در تأدیب و نظارت بر انجام واجبات و تکلیف آنان در برابر خداوند می‌باشند و آنگاه از ابن عباس نقل می‌کند که منظور از «قوامون» در این آیه یعنی بر زنان لازم است طبق دستور خداوند از شوهر خود اطاعت کنند. (جامع البیان).

از طرفداران دیدگاه فوق می‌توان به افراد مختلفی اشاره کرد، از جمله زمخشری (متوفای ۵۲۸ق) در ذیل این آیه بیان کرده است که مردان بر زنان قیام دارند، امر می‌کنند، نهی می‌کنند همچنان که حکام و ولات بر رعایا امر و نهی می‌کنند و بدین جهت ولایت را که بر رعایا امر می‌کنند، قَوْم گویند و ضمیر در «بعضهم» به رجال و نساء مجموعاً برمی‌گردد یعنی مردها مسیطر و مسلط اند بر زنان به سبب تفضیلی که خدا برخی را بر بعضی دیگر داده است. در اینجا مراد از «بعضهم» رجال است و مراد از «على بعض» زنانند و این دلیل است بر اینکه ولایت به واسطه فضیلت به مردها داده شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۱/۵۰۵)

قرطبی (متوفای ۶۷۱ق) در تفسیر این آیه اینگونه بیان کرده است که مردان خرج زنان را می‌دهند و از آنها دفاع می‌کنند، همچنین حاکمان، امیران و رزمندگان از میان آنها هستند و زنان با این امور کاری ندارند، قیام مردان بر زنان

به این است که مرد عهده‌دار تدبیر امور زنان و تأدیب او و نگهداری او در خانه و منع خروج وی از منزل شود و بر زن است که او را اطاعت کند و امر او را مادامی که منجر به معصیت نگردد قبول نماید یعنی به دادن نفقه برآنان و دفاع از آنان می‌پردازند. (قرطبی، بی تا: ج ۵/۱۶)

براساس دیدگاه ابن کثیر آیه «الرجال قوامون علی النساء» بدین معناست که مرد قیام زن است یعنی رئیس و بزرگ و حاکم بر زن بوده و هنگام بروز اشتباه وی را تأدیب می‌کند و عبارت «بما فضل الله بعضکم علی بعض» بدین معناست که مردان از زنان برترند از این رو نبوت و سلطنت به مردان اختصاص دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱/۴۶۵).

فیض کاشانی نیز در تفسیر این آیه شریفه اینگونه بیان کرده است که مردان قیام و ولایت زمامداران نسبت به ملت و مردم را بر زنان دارند به این سبب که خداوند مردان را به کمال عقل و حسن تدبیر و توانایی بیشتر در اعمال و طاعت بر زنان برتری داده است. (فیض کاشانی، ۱۲۸۴ق: ج ۱/۳۵۳).

از منظر فخر رازی مردان بر زنان برتری و مزیت‌های فراوانی دارند. یکی از آن مزیت‌ها این است که پیامبران و عالمان از میان مردان هستند همچنین امامت کبری و صغری و جهاد از میان آنان است و اذان و خطبه نیز به آنان اختصاص دارد. (رازی، ۱۳۰۸ق: ج ۱۰/۸۸).

و سلطه مردان بر زنان بدین جهت است که برتری آنان در علم و عقل و حسن رأی و تدبیر و تصمیم‌گیری جدی در ارتباط با کارها و توان بیشتر در انجام اعمال خیر و عبادات و اسب سواری و تیراندازی می‌باشد و پیامبران و امامان و علما و خلافت و رهبری جامعه (امامت کبری) و امامت صغری یعنی اقتدا به آنان در نماز از میان آنها می‌باشد. (کاظمی، بی تا: ج ۳/۲۵۷)

طبرسی ذیل آیه این‌گونه بیان کرده است که رجل قیام و قیام و قوام» صیغه‌های مبالغه برای تکثیر هستند یعنی مردان از جهات بسیار زیاد بر زنان سلطه دارند. اینکه می‌گویند مردان بر زنان سلطه دارند یعنی در تدبیر امور و تأدیب و تعلیم و تربیت بر آنان مسلط می‌باشند. (طبرسی، ۱۴۰۳ق: ج ۲/۴۳)

از موافقان سرسخت این نظریه علامه تهرانی است و این‌گونه بیان می‌کند که در این آیه به دو امر تعلیل شده است که یکی موهبتی است از خداوند تبارک

و تعالی و دیگری اکتسابی است. اما موهبتی آن این است که خداوند مردان را بر زنان در جهت کثیره‌ای از کمال عقل و حسن تدبیر و زیادی قوه در اعمال و طاعت فضیلت داده و بدین جهت امامت و نبوت و ولایت هم اختصاص به مردان داشته و اقامه شعائر دینی و جهاد و قبول شهادت در هر امری مختص به مردان است اما جهت اکتسابی آن این است که مردها بر زن‌ها از اموال خود انفاق می‌کنند و نفقات آنها را می‌دهند و مهریه به آنان می‌پردازند و خداوند رجال را قیوم و قیام زنان قرار داده است و این است جهت این دو علت موهبتی و اکتسابی که در مردان هست ولی در زنان نیست. (حسینی تهرانی، ۱۴۲۱ق: ج ۳/۱۴۸)

رشید رضا در تفسیر خود ذیل آیه «الرجال...» بیان کرده است که: «المراد بالقیام هو الریاسة» او می‌گوید اما ریاستی که مرئوس به اختیار و اراده خویش فعالیت و تصرف می‌کند و مقهور و مسلوب الاراده نیست، زیرا مقصود از قیام بودن این است که، راهنما و مراقب او باشد. (رشیدرضا، ۱۴۱۷ق: ج ۵/۶۸)

القوامون جمع قوام علی وزن فَعَال مبالغه قیام ومعناه القیام بالامر و المراد به هنا الذی یقوم بشؤون المرأة و هو الزوج» مراد از مردان خصوص الازواج است و مراد از قیام بر زن تسلط مطلقه بر زن نیست به گونه‌ای که مرد یک رئیس دیکتاتوری باشد و زوجه مرئوسی برای او، بلکه مراد از آن نوعی ولایت است و مشخص کرده‌اند فقها این ولایت را به قراردادن طلاق در دست زوج «ان تطیعه فی الفراش» و خارج نشود از خانه به إذن زوج و زن در همبستری از شوهر تبعیت کند. پس در اینجا مراد از قوامون همان رعایتشان زن است البته معنای ریاست در کانون خانواده را می‌رساند. (مغنیه، ۱۳۷۰: ۱۰۶) فاضل مقداد در کنزالعرفان ذیل آیه «الرجال...» اینگونه بیان کرده است که قیام به ولایت و سیاست است و مراد از قوام، قیام مردان به امور زنان و تسلط بر آنان همانند برتری و تسلط والیان بر رعیتشان است (کاشانی، ۱۴۲۳ق: ج ۲/۵۸)

### دیدگاه دوم: مدیریت و سرپرستی براساس تکلیف و وظیفه

مدعای این گروه آن است که آیه مربوط به زنان و شوهران و در راستای مدیریت و سرپرستی مرد در درون خانواده تفسیر می‌شود و قوامیت مرد در

تعامل با خانواده را پذیرفته‌اند.

«قوام» صیغه مبالغه، کسی است که در رسیدگی به امور دیگران خودش به تنهایی و بدون تکیه بر دیگری اقدام می‌کند و به تدبیر امور زن و برآوردن نیازهای او اشراف دارد پس در این آیه به معنای شوهرانی است که در تدبیر امور و بر طرف کردن نیازهای زن اشراف دارند. آیه به پاره‌ای از وظایف زن و شوهر اشاره دارد و مورد آیه خصوص خانواده است:

روح قیوم و قوام بودن وظیفه است و اینچنین نیست که قرآن به زن بگوید تو در تحت فرمان مرد هستی، بلکه به مرد می‌گوید تو سرپرستی زن و منزل را به عهده داری. اگر این آیه به صورت تبیین وظیفه تلقی شود نه اعطای مزیت، آنگاه روشن می‌شود «الرجال قوامون علی النساء» یعنی «یا ایها الرجال کونوا قوامین» یعنی ای مردها شما به امر خانواده قیام کنید همانطوری که برای قضایی می‌کنید «کونوا قوامین بالقسط شهداء لله» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۳۹۱).

«الرجال قوامون علی النساء» یعنی شوهران باید در ادای حقوق زنانشان که به عهده مردان قرارگرفته است تلاش کنند (طوسی، ۱۳۸۷ق: ج ۳۲۴/۴) قوام کسی است که متکفل و عهده دار امور دیگری، همچون نفقه، پوشاک، سایر نیازمندی‌های اوست. اقتداری که به مرد داده شده است در برابر مسئولیت و تکلیفی است که بردوش او نهاده شده است تا بتواند به بهترین شکل وظایفش را انجام دهد و این اجرای دقیق یک قاعده کلی شریعت است که قدرت ملازم با مسئولیت است. (عوده، ۱۴۱۸)

گروهی از مفسرین قوامیت مردان را در معنای عام آن بیان کرده‌اند و آن را منحصر در حوزه خانواده ندانسته بلکه این قوامیت مردان بر زنان را علی الاطلاق بیان نموده‌اند که شاخه‌ای از آن قوام بودن شوهران بر همسران است از جمله علامه طباطبایی ذیل آیه «الرجال قوامون علی النساء» می‌فرماید: کلمه قیّم به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است و عام بودن علتی که در آیه برای سلطه مردان آورده شده «بما فضل الله بعضهم علی بعض» دلیل بر حکمی که بر سلطه جنس مرد به زن بیان شده در جهات عمومی است که عامه مردان بر عامه زنان در آن جهات قیمومیت دارند مثل حکومت و قضاوت که حیات اجتماعی جامعه به آنها بستگی دارد و نیز دفاع و جهاد.

قیمومیت مرد بر زنش این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک است بکند و معنای قیمومیت مرد این نیست که استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش را سلب کند بلکه معنای قیمومیت مرد این است که مرد به خاطر اینکه هزینه زندگی زن را از مال خودش می‌پردازد تا از او استمتاع ببرد، پس بر او نیز لازم است در تمامی آنچه مربوط به استمتاع و همخوابگی مرد می‌شود او را اطاعت کند و ناموس او را در غیاب او حفظ کند. (طباطبایی، ۱۴۱۴ق: ج ۳/۴)

به نظر می‌رسد که یک تفاوت دیدگاه در اطلاق آیه وجود دارد و آن اینست که از منظر علامه طباطبایی آیه اطلاق تام و تمام در خصوص برتری نوع مردان بر نوع زنان دارد اما جوادی آملی نظری متفاوت ایشان داشته و اینگونه بیان کرده که آیه خصوص بیان احکام مطلق زن و مرد نیست بلکه باتوجه به قرائن داخلی و خارجی این آیه برای بیان احکام زن و شوهر است و دلایلی را بیان کرده‌اند از جمله:

۱. «بما انفقوا من اموالهم یعنی عهده‌دار تمامی هزینه‌های اختصاصی زن و تأمین نیازهای منزل.

۲) آیه بعدی حکم انفاق میان زن و شوهر را بیان می‌کند. جمله الرجال قوامون علی النساء جمله خبریه و وصفی به داعی انشاء و دستور است، خداوند قیمومیت و اشراف در تدبیر امور و برطرف کردن نیازهای زن را برای مرد جعل کرده است و مرد باید بر همسرش قوام باشد چون زن و ناموس او، امانت الهی است که خداوند حفظ و دفاع از وی و نیز تأمین هزینه نفقه‌اش را بر عهده مرد گذارده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۱۸ / ۵۴۵)

### دیدگاه سوم: سرپرست و خدمتگزار

بر اساس دیدگاه دیگری که به بیان شده است مرد سرپرست و خدمتگزار دانسته شده و چنین بیان می‌کنند که قوامیت فقط سرپرستی به معنای امارت و امر و نهی کردن نیست بلکه خدمتگزاری و کمر همت بستن برای خدمت کردن به زنان و اعتنا به شان و نیازهای زندگی و رسیدگی به امورشان نیز در آن وجود دارد. (داوودی، ۱۳۸۲: ۲۹۸)



در تفسیر نمونه آمده است که مردان سرپرست و خدمتگذار زنان هستند و اینگونه بیان شده است که قرآن اینجا تصریح میکند مقام سرپرستی باید به مرد داده شود، منظور از این تعبیر استبداد و اجحاف و تعدی نیست بلکه منظور رهبری واحد منظم با توجه به مسئولیت‌ها و مشورت‌های لازم است. تعهد مرد در برابر زن و فرزندان نسبت به پرداختن هزینه‌های زندگی و پرداخت مهر و تأمین زندگی آبرومندانه همسر و فرزندان این حق را به او می‌دهد که وظیفه سرپرستی به عهده او باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ج ۳/۳۶۹)

و همچنین قوام به مراقبت نیکو از زنان و حفظ و حراست شایسته از آنان معنا شده است. (صادقی تهرانی) و قوامون نوعی سرپرستی و برعهده گرفتن امور و مراقبت نیکو را معنا می‌دهد. (مهریزی، ۱۳۸۶: ۲۳۹) و این شبهاتی که برخی درباره سلطه مردان بر زنان القا می‌کنند و اینکه این آیه شریفه می‌گوید مرد زعیم است و رئیس و فرمان را او باید بدهد و ریاست زن را در شئون خانه او برعهده دارد، درحالیکه این آیه هیچ دلالت بر آن ندارد، به واسطه اینکه برهان عقلی خلاف آن است. رئیس به معنای آقا و افضل نیست، سید القوم خادمهم، رئیس گروه خدمتگذار ایشان است. در یک خانواده وقتی می‌گویند: آقا، پدر، شوهر و مرد این خانه، مسئولیت انفاق با تو است، نباید بگوییم مرد افضل و اعقل افراد خانه است، بلکه این چیزی عقلانی و عرفی است و من اعتقاد دارم این آیه شریفه جدا از حکم عقلا نیست. شما از هر عربی که ذهنیت ندارد، معنای این آیه را بپرسید، می‌گوید: ای، یقیمون بامور النساء فی امور انفاقهم و معاشهم، مردان به کارهای زنان در امر نفقه و تأمین معاش می‌پردازند. (مهریزی، ۱۳۸۶: ۴۱۰) ریاست خانواده مقامی است که برای ثبات و مصلحت خانواده به مرد داده شده است و امتیاز و حق فردی برای شوهر محسوب نمی‌شود. این امر بیشتر یک وظیفه اجتماعی برای تأمین سعادت خانواده است و مرد نباید از آن سوء استفاده کند، یا برخلاف روش مناسب هر جامعه‌ای و یا مصلحت ویژه هر خانواده و به شکل تحکم آن را به کار برد.

### دیدگاه مختار درباره مفهوم قوامیت مرد در آیه ۳۴ سوره نساء

با گردآوری نظرات ارائه شده از ناحیه متفکران شیعی و اهل سنت در خصوص

آیه «قوامون» و تحلیل آن، سه دیدگاه مورد بررسی قرار گرفت و قوامیت در این آیه به عنوان «وظیفه مدیریت و سرپرستی مرد در درون خانواده» به عنوان دیدگاه منتخب برگزیده شد، در تبیین این رویکرد دلائل زیر ارائه می‌گردد:

### الف) رویکرد انسانی قرآن به زن با تکیه بر آموزه های قرآنی

در آموزه‌های اسلامی، انسان خواه مرد یا زن، در موارد متعددی با یکدیگر برابرند برخی از این موارد عبارتند:

۱. خداوند مردان و زنان را از یک نفس آفریده است و آنها را در مراتب انسانیت و تقرب به خود یکسان قرار داده است و برتری هریک را بر دیگری بر اساس تقوا دانسته است، خداوند تصریح کرده است که مردان و زنان را از یک نفس واحده آفریده است.

«الذی خلق لکم من نفس واحده و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء» (نساء/۱)

«والله جعل لکم من انفسکم ازواجاً» (نحل/۷۲)

۲. خداوند در آغاز خلقت هر دو را با هم در بهشت جای داد. «یا آدم اسکن انت و زوجک الجنة فکلا من حیث شیئتما» ای آدم تو و همسرت در بهشت ساکن شوید و از هر چیزی که خواستید بخورید (اعراف/۱۹) اما شیطان هردو را فریب داد و اینگونه نبود که زن از مرد به شیطان نزدیکتر باشد (فوسوس لهما الشیطان)

۳. خداوند به نیکان اعم از زن و مرد وعده بهشت و به بدان اعم از زن و مرد وعده جهنم داده است بدون اینکه میان مرد و زن تفاوتی قائل شود.

«ان الابرار لفی نعیم، ان الفجار لفی جحیم» (انفطار/ ۱۳ و ۱۴)

«و من یعمل من الصالحات من ذکر او انثی و هو مومن فاولئک یدخلون الجنة» (نساء/۱۲۴)

کسی که عمل صالح انجام دهد خواه مرد باشد خواه زن درحالیکه ایمان داشته باشد این فرد و مانند آن داخل بهشت می‌شوند.

خداوند میان مردان و زنان در عقل و فطرت و خلقت برابری قرار داده است و امانت بزرگی را که کوه‌های بزرگ از پذیرش آن عاجز ماندند به عهده هر دو گذاشته است. (احزاب/۷۲)

۴. خداوند معیار برتری میان مردها و زن‌ها را تقوا قرار داده است. «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی \* ان اکرمکم عند الله اتقاکم» (حجرات/۱۳)

۵. خداوند متعال مردان و زنان را مکمل و یار یکدیگر معرفی کرده است و هریک ازدو جنس تا زمانی که به دیگری ملحق نشود ناقص است. «هن لباس لکم و انتم لباس لهن» هریک از دو جنس به منزله پوشش دیگری و در عین حال مکمل و یار یکدیگر معرفی شده‌اند.

همچنین در زمینه سیر و سلوک معنوی می‌توان به آیاتی استناد جست که از: الف) مرتبت و جایگاه و شخصیت حضرت مریم سخن می‌گوید و کمالاتی را که وی بدان دست یافته است بازگو می‌کند.

«فلما وضعتها قال رب انی وضعتها انثی والله اعلم بما وضعت و لیس الذکر کالانثی و انی سميتها مریم» (آل-عمران)

«و اذ قالت الملائکة یا مریم ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی النساء العالمین» (آل-عمران/۴۲)

و یاد کن هنگامی را که فرشتگان گفتند خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتریداده است.

ب) مثل و نمونه قراردادن زنان مؤمن برای همه مؤمنان

«و ضرب الله مثلا للذین امنوا امرات فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة» و برای کسانی ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده است آنگاه که گفت: پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز. (تحریم/۱۱)

با توجه به تساوی زن و مرد در هویت انسانی، درمی‌یابیم که زن مانند مرد از همه مظاهر روح و هویت انسانی برخوردار است، در واقع زن و مرد از یک نفس و هردو قابلیت پیشرفت و ترقی را دارا هستند. خانواده که بنیادی‌ترین هسته تمام نظام‌های اجتماعی است از زن و مرد تشکیل می‌شود بنابراین نمی‌توان یکی را طفیلی دیگری دانست زیرا هیچ یک به تنهایی قادر به پدید آوردن جامعه انسانی نیست به همین دلیل است که خداوند متعال میان این دو جنس یک کشش و تمایل طبیعی قرارداده است و میان آن دو مؤدت و رحمت برقرار ساخته و آرامش مرد را در کنار همسرش رقم زده است و این لطف را از نشانه‌های خداوندی خود دانسته است.

«ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودهً و رحمۃً» (روم/۲۱)

چرا که این دو جنس به یکدیگر محتاجند، نیاز زن را مرد برطرف می‌کند و حاجت مرد را زن برآورده می‌سازد. مکمل بودن زن و مرد از نکات مهمی است که قرآن مجید بر آن تکیه دارد. در آموزه‌های قرآنی زن و مرد تکمیل‌کننده یکدیگرند و هیچ یک بدون دیگری کامل نیست.

### ب) اذعان برخی صاحب نظران غرب

برخی دانشمندان جامعه‌شناسی و روانشناسی غربی هم به نقش ویژه مردان در محیط خانواده یعنی «مدیریت و سرپرستی» توجه کرده و آن را متناسب با شرایط جسمانی و روانی آنان تلقی کرده‌اند.

خانواده مانند دیگر نظام‌های انسانی و اجتماعی دارای یک سازمان است. در هر سازمان هر فرد برای خود جایگاه ویژه‌ای دارد که نشانه قدرت و تأثیر او بر دیگران است. در جوامع انسانی سازمانی که همه افراد در آن یک رتبه باشند، دیده نمی‌شوند. (هی لی، ۱۳۷۷: ۱۷۱-۱۷۹)

بسیاری از صاحب‌نظران خانواده، مانند مینوچین و جی هی لی، نظام درون خانوادگی را پیش فرض کارایی خانواده در نظر می‌گیرند. ملاک سلامت و بیماری خانواده این واقعیت است و خانواده درمانگری مانند مینوچین، هدف درمان را «نشاندن والدین پشت فرمان» اعلام می‌کند. نظم و انسجام خانواده نیز به سلسله مراتب مناسب آن بستگی دارد. (زیمون، ۱۳۷۹: ۲۳۵) تالکوت پارسونز چهره برجسته مکتب کارکرد گرایی در تحلیل خوددرباره تقسیم کار جنسیتی بین زن و شوهر این الگو را که کسب درآمد و رهبری خانواده برعهده مرد و وظایف خانواده و کدبانوگری به عهده زن باشد را بهترین الگو دانسته‌اند. (هروی و مکدونالد)

وجود سلسله مراتب شفاف و صریح در خانواده از طرف بسیاری از صاحب‌نظران خانواده درمانی نظیر مینوچین و جی هی لی به عنوان پیش فرض کارایی خانواده محسوب می‌گردد. و در نظریات هلینگر سلسله مراتب خانوادگی دارای نقش کلیدی است (زیمون، ۱۳۷۹: ۲۳۵) پس هریک از زن و مرد متناسب با توانمندی‌های جسمانی و روانشناختی که دارند مسئولیت‌های ویژه‌ای را برعهده

دارند. هی لی جی از جمله صاحب نظران روان درمانی خانواده در غرب این پیش فرض را پذیرفته است که خانواده همانند هر نظام اجتماعی نیازمند مدیر و مسئولی شایسته است تا آن را رهبری و هدایت کند که در آموزه های دینی مرد نقش سرپرستی و مدیریتی را برعهده دارد و این نقش متناسب با ویژگی های جسمانی، عاطفی و روانشناختی و متناسب با توانمندی های روحی وی می باشد و به هیچ وجه به معنای فضیلت و برتری معنوی و ارزشی او نیست. (هی لی، ۱۳۷۷: ۱۷۹)

### نتیجه

در آیه ۳۴ سوره نساء معیار قوامیت دو چیز دانسته شده و با قید «بما فضل الله» و «بما انفقوا» مشخص شده است پس بر اساس دیدگاه منتخب اینکه قرآن مدیریت خانواده را بر دوش مردان می گذارد وظیفه و تکلیفی است که برعهده آنان گذاشته شده است.

در جمع بندی نهایی این آیه چنین به نظر می رسد که:

۱. قوامیت مرد بر دو امر تعلیل شده است یکی فضیلت و دیگری نفقه. در باب فضل قرآن آن را به اجمال و سکوت واگذار کرده و علت آن بیان نشده است و آیه از این جهت ساکت است لیکن اشاره به بحث نفقه در ادامه آیه می تواند تبیینی بر معنای واژه قوامون سوای آنچه در دیدگاه سلطنت و ریاست مرد در خانواده و دیدگاه دیگر یعنی نگاه خدمتگزار به مرد، داشته باشد.
۲. قوامیت معنای «سرپرستی و مدیریت» دارد و چیزی جز سرپرستی و مدیریت مرد در حوزه خانواده نمی تواند باشد و مسائل اجتماعی را شامل نمی شود.
۳. بنا به تأکید بر وظیفه مرد نسبت به نفقه همسر در آیه قوامون، قوامیت مرد بیش از اینکه یک حق باشد یک تکلیف است، آن هم تکلیفی که ابزار و لوازم آن در اختیار مرد است.

## فهرست منابع

• قرآن کریم.

• نهج البلاغه.

۱. آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح-المعانی فی تفسیرالقران العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲. الفراء البغوی، حسین بن مسعود، (۱۴۰۷ق)، تفسیر البغوی، بیروت: دارالمعرفه.

۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: ادب حوزه.

۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم.

۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: اسرا.

۷. حسینی الزبیدی، سیدمحمد مرتضی، (بی-تا)، تاج-العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالمکتبه الحیاه.

۸. حسینی تهرانی، سیدمحمد حسین، (۱۴۲۱ق)، ولایت فقیه در حکومت اسلام، مشهد: علامه طباطبایی.

۹. رازی، فخرالدین، (۱۳۰۸ق)، تفسیر کبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۰. رشیدرضا، محمد، (۱۳۰۳ق)، المنار فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالفکر.

۱۱. زیمون، کلیمت، اشترلین، (۱۳۷۹)، مفاهیم و تئوری های کلیدی در خانواده درمانی، ترجمه سعید پیر مرادی، تهران: نشر همام.

۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی.

۱۳. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵)، الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقران، قم: فرهنگ اسلامی.

۱۴. صالحی شامی، محمد بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی وللرشاد فی سیره خیرالعباد، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القران، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۴ق)، مجمع البیان فی تفسیرالقران، قم: کتابخانه آیت-الله مرعشی نجفی.

۱۷. طبری، محمدبن جریر، (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیرالقرآن، بیروت: دارالفکر.

۱۸. طوسی، محمدبن الحسن، (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، طهران: المکتبه المرتضویه.
۱۹. طریحی، فخرالدین، (۱۴۱۴ق)، مجمع البیان، قم: مؤسسه بعثت.
۲۰. عوده، عبدالقادر، التشریح الجنانی، بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۱. فاضل مقداد، تفسیر کنزالعرفان.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، (بی-تا)، العین، انتشارات هجرت.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۲۸۴ق)، تفسیر صافی، طهران: انتشارات الاسلامیه.
۲۴. قرطبی، محمدبن احمد، (بی-تا)، الجامع لاحکام القرآن، بیروت: دارالاحیاء والتراث العربی.
۲۵. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۵۲)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. کاظمی، جواد بن سعد، مسالک الافهام.
۲۷. کوئن، بروس، (۱۳۷۰)، درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: فرهنگ معاصر.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. مغنیه، محمدجواد، (۱۳۷۰)، التفسیر المبین، قم: بنیاد بعثت.
۳۰. مقدس اردبیلی، احمد، (۱۴۰۳ق)، مجمع الفائده والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۰)، تفسیر نمونه، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. مهریزی، مهدی، (۱۳۹۲)، قرآن و مسئله زن، طهران: نشر علم.
۳۳. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۹)، نواندیشی دینی و مسئله زن، قم: صحیفه خرد.
۳۴. هی، لی، جی، (۱۳۷۷)، رواندرمانی خانواده، ترجمه باقر ثنائی، طهران: نشر امیرکبیر.